

## بررسی دیدگاه‌های فمینیستی زویا پیرزاد در کتاب «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» براساس دیدگاه لوکاچ

ندا یانس کامران<sup>۱</sup>، پاشایی فخری<sup>۲</sup>، پروانه عادل‌زاده<sup>۳</sup>

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

۲- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز (نویسنده مسئول)

۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

### چکیده

با ظهور رنسانس، رمان به علت برخورداری از قابلیت نشان دادن واقعیت‌های زندگی، جای حماسه را می‌گیرد و در نیمه اول قرن بیستم، جورج لوکاچ، رمان‌های رئالیستی را به عنوان اصلی‌ترین شکل اثر ادبی همخوان با جامعه‌ی بورژوایی مطرح می‌کند. با پیوستن به مکتب مارکسیسم، دیدگاه‌های فمینیستی در آثارش نمود پیدا می‌کند. در ایران نیز رمان «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم»، اثر «زویا پیرزاد» یکی از رمان‌های زن محوری است که در سال‌های اخیر با دغدغه بررسی دنیای زنان جای خود را در میان رمان‌های معاصر فارسی باز کرده است. با توجه به اهمیت این رمان در جریان نوشتار زنانه در ادبیات داستانی، این جستار به شیوه‌ی تطبیقی مبتنی بر مولفه‌های فمینیستی براساس دیدگاه لوکاچ تلاش کرده است به واکاوی عناصر نوشتار زنانه پردازد و به این نتیجه دست یافته است که پیرزاد آگاهانه اغلب ویژگی‌های نوشتار زنانه را برگزیده و به کار گرفته است و نشان‌دهنده دیدگاه فمینیستی نویسنده به جامعه و مخصوصاً زنان است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در این رمان در سطوح مختلف متن، واژگان، جملات، گفتمان و دیدگاه زنانه نمود یافته است. زبان نوشتاری متن به سبب انعکاس عواطف زنانه، اندیشه‌های فمینیستی، زبان مودبانه، توجه به وضع ظاهر، بی‌توجهی به مسائل سیاسی و... تلاشی برای رسیدن به سبک نوشتاری زنانه به شمار می‌آید.

**کلیدواژه‌ها:** فمینیسم، زویا پیرزاد، چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، جورج لوکاچ.